

تأثیر مکتب ادبی رمانتیسم غرب بر ادبیات منظوم و منثور دوره مشروطه

دکتر ناهید عزیزی *

چکیده

ریشه‌های رمانتیسم در ادبیات مشروطه را دو جنبه می‌دانند: نخست، آشنایی با ادبیات غرب به ویژه فرانسه، ادبیات نوین ترکیه و قفقاز و تأثیرپذیری از آن‌ها، دوم، ورود جامعه ایران به عصر جدید که سیری کمابیش مشابه جوامع اروپایی و پیدایش عوامل اجتماعی و فکری ظهور رمانتیسم از دل این تحولات جدید، دارد. رمانتیسم مشروطه اساساً یک رمانتیسم اجتماعی است و عمده‌ترین نمودهای آن را می‌توان در پدیده‌هایی چون دل‌بستگی آرمانی به انقلاب و آزادی، همدردی پر احساس با محرومان و رنج‌هایشان، امید به افق روشن و آینده‌ای آرمانی، میهن‌دوستی و ناسیونالیسم و توجه به شکوه از دست‌رفته گذشته، جستجوی قهرمان رمانتیک و ستایش آن، انتقاد پر احساس از تمایلات تمدن جدید و... مشاهده کرد. نمودهای غیراجتماعی این رمانتیسم نیز عبارتند از: کاربرد خاص و متفاوت تخیل که عمدتاً در تشبیهات و صورخیال تازه و نوآیین جلوه‌گر می‌شود، کاربرد خاص زبان که در تازگی شیوه‌گزینش واژگان و جذابیت زبان و جنبه‌های نوآورانه آن نمود بیشتری دارد، تمایل به منظره‌پردازی و توصیف‌های تازه و بهره‌گرفتن از نوعی ارتباط فردی با طبیعت و... از پیشگامان شعر رمانتیک ادبیات مشروطیت، می‌توان به عشقی، بهار، عارف قزوینی، لاهوتی، دهخدا، ایرج میرزا، فرخی، شمس کسمایی و... اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی

ادبیات مشروطه، شاعران مشروطه، مکتب رمانتیسم غرب.

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، بروجرد.

مقدمه

در این مقاله پژوهشگر سعی دارد تا نشان دهد که ادبیات مشروطه تحت تأثیر مکاتب ادبی غرب از جمله رمانتیسم قرار گرفته است. تاریخ‌نگاران، دوره مشروطیت را «دوران بیداری» ایران می‌نامند و نتیجه این بیداری را که در اثر آشنایی تازه با ادبیات و فرهنگ غرب پدید آمده بود، نگاه تازه به جهان، جامعه و پدیده‌های محیطی آن می‌دانند. شاعران و نویسندگان این دوره تلاش زیادی کردند که خود را از قید و بند ساختار کهن ادب سنتی آزاد کنند و به مضامینی نو روی آورند تا راحت‌تر به مسایل جامعه بپردازند. این دوره نه تنها آغاز نوعی واقع‌گرایی سیاسی و اجتماعی در ادبیات، بلکه واقع‌گراترین و اجتماعی‌ترین دوره هنری - ادبی ایران به ویژه انعکاس بی‌کم و کاست مسایل جامعه در ادبیات بود. در ادبیات اروپا نهضت رمانتیسم در عرصه شعر از یک لحاظ، زمینه‌ساز تحولی بنیادین بود و رمانتیک‌ها بر معیارهای خشک و اصول و قواعد کلیشه‌ای نئوکلاسیک شوریدند و موجب شکوفایی و رونق دوباره شعر و پدید آمدن انواع نوآوری‌ها شدند. در عصر مشروطه نیز، در آغاز، شعر به گونه‌ای مستقیم وارد مسایل اجتماعی شد و از یک سو محتوای آن تغییر کرد و از سوی دیگر، استفاده از زبان مردم، به شعر حالتی ساده‌تر و طبیعی‌تر بخشید. سخن گفتن به زبان ساده مردم عادی یکی از جنبه‌های تحول شعر مشروطه بود که بخشی از شورش عصر، علیه نئوکلاسیسم منحط دوره بازگشت به شمار می‌رود. بدین وسیله نگارنده در این مقاله آثاری را که بیشترین تأثیر را از مکتب رمانتیسم ادبی غرب پذیرفته‌اند به طور خلاصه تبیین می‌نماید.

مکتب رمانتیسم و پیدایی آن در ادبیات مشروطه

رمانتیسم نهضتی فرهنگی، فکری و اجتماعی است که در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی در اروپا ظهور یافت و سپس فرهنگ و اندیشه بسیاری از دیگر مناطق جهان را تحت تأثیر قرار داد. این مکتب برای آزادی، شخصیت، هیجان و احساس‌ها، گریز و سیاحت و سفرهای جغرافیایی در آثار خود بسیار اهمیت قایل است و هنرمند در آن به کشف و شهود می‌پردازد و به افسون سخن و به اهمیت کلمه بی‌اندازه آگاه است. در این مکتب

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

نویسنده خود در جریان نوشته‌اش مداخله می‌کند و به اثر خود جنبه شخصی و خصوصی می‌دهد. ویکتور هوگو، والتر اسکات، وردزورت، گوته، شیلر، پوشکین، لرمانتوف، لامارتین، شاتوبریان، الکساندر دوما پدرو و آلفرد دو موسه از پیشوایان نخستین این مکتب هستند. از آثار معروف این مکتب می‌توان نتردام دوپاری، بینویان، تاراس بولبا، سه تفنگدار، زندانی قفقاز، فواره باغچه سرای و آیوانهو را نام برد. ویژگی‌های مهم این مکتب عبارتند از:

• نشان دادن زیبایی و زشتی و شادی و غم در کنار هم

• پای‌بندی به احساس و خیال و هیجان

• هواخواهی از آزادی هنر و آزادی شخصیت هنرمند و رهایی از قیود

• وسعت بخشیدن به دایره واژگان و تعبیر و غنا بخشیدن به زبان ادبی

• به تصویر کشیدن غم و یأس و سرگشتگی انسان

• روی آوردن به عالم درون و گرایش‌های دینی

بنابراین رمانتیسم مکتبی بود، به این معنا که بشر غربی در آن عصر، گسستی را با دوره‌های قبل احساس می‌کرد؛ یعنی نظام فئودالی فرو پاشیده، نظم موجود ترک برداشته بود و مباحثی چون عصر فن‌آوری، تقسیم کار اجتماعی، شهرنشینی، توسعه و... طرح می‌شد؛ از این رو یک نوع احساس ناامنی به او دست داد؛ یک احساس ناخرسندی که چه کند. در این زمان بود که مکتب رمانتیسم قدم به عرصه گذاشت تا به انسان کمک کند و به او بگوید: اگر به دوره جدید وارد شده‌ای و نمی‌توانی نظم جدید را برقرار کنی، با تأسی به گذشته می‌توانی مشکل را حل کنی. این جریان در واقع یک نوع نوستالژی برای انسان بود. منورالفکرهای ما که با اندیشه‌های این مکتب روبه‌رو شدند، سعی کردند این اندیشه‌ها را وارد ادبیات ایران کنند. مفهوم ناسیونالیسم رمانتیسم در زمان مشروطیت از چند کانون تغذیه می‌شد: کانون اول، ایدئولوژی‌سازی امپراطوری انگلیس که در آن هنگام عنوان می‌کرد ما، ایران و هند، از یک ریشه نژادی (نژاد آریا) هستیم و دوره آن دو کشور به سر آمده است. آنها تحت تأثیر بحث‌های شرق‌شناسان معتقد بودند که دوره شرقی‌ها از جمله ایران دوره مردگی است و دوره کودنی تاریخ را طی کرده‌اند و امروز، دوره ماست و باید به ما تأسی کنند. به دنبال این تأسی

آن‌ها ناچار بودند بحث ایدئولوژی آریاگرایی یا آرکانیسم یا باستان‌گرایی افراطی را در ایرانی‌ها ترویج کنند. دومین کانون مهمی که آن هم از امپراطوری استعماری انگلیس مایه می‌گرفت، زرتشتیانی بودند که در هند به نام پارسیان زردشتی‌های ایرانی شناخته می‌شدند. آنان در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی سلسله فعالیت‌هایی را انجام داده بودند و درباره تاریخ ایران قدیم، بحث باستان‌گرایی را طرح کرده بودند و کتاب‌هایی مثل دبستان مذاهب، و رساله‌ای مثل اساطیر شارستان، چهار چمن یا چهار سخن، از سلسله کتاب‌هایی بود که در آن‌ها نوعی اسطوره‌سازی از ایران باستان به دست داده بودند از جمله، تمجید از ایران عصر باستان که علیه نظام اسلام به کار گرفته می‌شد. آینه سکندری، نامه باستان و سه مکتوب میرزا آقاخان کرمانی و قبل از او، آخوندزاده و قبل از وی، پسر فتحعلی شاه به نام جلال‌الدین میرزا در کتاب معروف خود با عنوان «نامه خسروان»، سلسله فعالیت‌هایی بود که در همین جهت صورت می‌گرفت. رمان‌نویسی در همان مقطع نیز، ریشه در بحث تاریخ‌نگاری داشت و رمان‌نویسی اجتماعی ما دنباله همین جریان بود که در پایان مشروطه و به خصوص دوره رضا شاه به اوج رسید.

تأثیر اندیشه‌های رمانتیسم اروپا بر ادبیات منظوم مشروطه

شعر عصر مشروطه را می‌توان در سه نوع: کلاسیک‌گرا، اجتماعی صرف، و رمانتیک اجتماعی جای داد. در این دوره شاعرانی که به لحاظ زبان و بیان نوگراتر و مبتکرترند، برخی ویژگی‌های رمانتیک را به طور پراکنده در شعر خود نشان می‌دهند. یکی از ویژگی‌های نوگرایانه شعر این دوره استفاده از انواع تازه مسمط در مقایسه و ترکیب‌بند و بعدها انواع چارپاره است. البته همه شعرهایی که در این قالب و قالب‌های فراموش‌شده دیگر نظیر مستزاد سروده شده‌اند لزوماً رمانتیک و نوآورانه نیستند ولی بسیاری از شعرهای رمانتیک این عصر در این قالب سروده شده‌اند. پیشگامان شعر رمانتیک فارسی، شاعرانی نظیر عشقی و عارف قزوینی، لاهوتی، دهخدا، بهار، ایرج میرزا، فرخی و چند شاعر غیر حرفه‌ای این دوره، از جمله تقی رفعت، شمس کسمایی و جعفر خامنه‌ای بودند. نکته‌ای که به لحاظ بحث ما اهمیت دارد این است که در اشعار و آثار این نوگرایان و خصوصاً در دیدگاه‌ها و نظریه‌های ادبی و

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

اجتماعی آنان جنبه‌های رمانتیک متعددی وجود دارد. رمانتیک‌های اروپایی نیز برای عرضه آثار و آرای نوین خود با مخالفت نئوکلاسیک‌ها رو به رو شدند و نوگرایی‌های صوری و محتوایی آنان، خصوصاً در فرانسه که ادبیات کلاسیک نیرومندتر و محافظه‌کارتر بود، به صورت نوعی عصیان و شورش جلوه‌گر شد. در اینجا نیز شباهت میان رمانتیسم فرانسه با جنبه‌های رمانتیک ادبیات جدید فارسی به خوبی قابل مشاهده است. در ایران نیز همچون فرانسه، از یک سو ادبیات فحیم و مقتدر کلاسیک بر همه‌جا سایه افکنده است و از سوی دیگر، نظام اجتماعی و سیاسی مستبدی هم عرصه اجتماعی را در سلطه خود دارد.

ریشه‌های رمانتیسم در ادبیات مشروطه را می‌توان در دو زمینه جستجو کرد، نخست آشنایی با ادبیات غرب به ویژه فرانسه و ادبیات نوین ترکیه و قفقاز و تأثیرپذیری از آن، دوم ورود جامعه ایران به عصر جدید که سیری کمابیش مشابه جوامع اروپایی و پیدایش عوامل اجتماعی و فکری ظهور رمانتیسم از دل این تحولات جدید، دارد. رمانتیسم مشروطه اساساً، رمانتیسمی اجتماعی است و عمده‌ترین نمادهای اجتماعی آن در پدیده‌هایی چون: دل‌بستگی آرمانی به انقلاب و آزادی، همدردی پراحساس با محرومان و رنج‌هایشان، امید به افق روشن و آینده آرمانی، میهن‌دوستی و ناسیونالیسم و توجه به شکوه از دست رفته گذشته، جستجوی قهرمان رمانتیک و ستایش آن، انتقاد پر احساس از تمایلات تمدن جدید و... می‌توان مشاهده کرد. نموده‌های غیر اجتماعی این رمانتیسم نیز عبارتند از: کاربرد خاص و متفاوت تخیل که عمدتاً در تشبیه‌ها و صورخیال تازه و نوآیین جلوه‌گر می‌شود، کاربرد خاص و متفاوت زبان که در تازگی شیوه گزینش واژگان و جذابیت زبان و جنبه‌های نوآورانه آن نمود بیشتری دارد، تمایل به منظره‌پردازی و توصیف‌های تازه و بهره گرفتن از نوعی ارتباط فردی و خاص با طبیعت و...

در ادبیات اروپا نهضت رمانتیسم در عرصه شعر از یک لحاظ، زمینه‌ساز تحولی بنیادین بود و رمانتیک‌ها بر معیارهای خشک و اصول و قواعد کلیشه‌ای نئوکلاسیک شوریدند و موجب شکوفایی و رونق دوباره شعر و پدید آمدن انواع نوآوری‌ها شدند. در عصر مشروطه، در آغاز شعر به گونه‌ای مستقیم وارد مسائل اجتماعی شد و از یک سو محتوای آن تغییر کرد و

از سوی دیگر، استفاده از زبان مردم، به شعر حالتی ساده‌تر و طبیعی‌تر بخشید. سخن گفتن به زبان ساده مردم عادی یکی از جنبه‌های تحول شعر مشروطه بود که بخشی از شورش عصر، علیه نئوکلاسیسم منحنی دوره بازگشت به شمار می‌رود. اینک اشعار تعدادی از شاعران مشروطه را که تحت تأثیر اندیشه‌های رمانتیسم اروپا قرار گرفته‌اند ذکر می‌کنیم.

الف) دهخدا

در آرا و مباحث نظری و در آثار مثنوی و منظوم دهخدا و نیز در روحیات و زندگی شخصی او عنصر «رمانتیک» شاخصی دیده نمی‌شود. تنها استثنا در این میان شعر مشهور «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» است که دارای پاره‌ای ویژگی‌های ملایم و غیر احساساتی رمانتیک است به خاطر قدمت تاریخی این شعر و شهرت نفوذ خارق العاده آن و تأثیری که بر شاعران دیگر نهاده است. اولین نکته‌ای که در این شعر توجه ما را به خود جلب می‌کند انگیزه و نحوه سروده شدن شعر است که صرف نظر از پاره‌ای اشعار عرفانی و خود جوش دوره کهن، در ادبیات کلاسیک ما به ویژه در دوره بلافصل این عصر یعنی دوره نئوکلاسیسم منحنی بازگشت ادبی، پدیده‌ای کاملاً بی‌سابقه است. پس از غلبه سنجیدگی، مهارت، هنرورزی و فقدان شور عاطفی در دوره بازگشت، برای نخستین بار در این شعر دهخدا خود انگیزتگی و غلیان عاطفی، انگیزه سرودن شعر را فراهم می‌آورد و این پدیده چیزی جز نوعی رمانتیسم متعالی و ملایم نیست گذشته از انگیزه سرودن، این شعر از نظر فرم و قالب، شیوه بیان و معنی و محتوا نیز کاملاً تازگی دارد. در این شعر پیوند میان رمانتیسم و نوآوری به خوبی قابل مشاهده است. این شعر، نخستین شعر فارسی است که نشانه‌هایی از اشعار اروپایی را در خود دارد.

ای مرغ سحر چو این شب تار بگذاشت ز سر سیاهکاری
وز نفخه روحبخش اسحار رفت از سر خفتگان خماری
بگشود گره ز زلف زرتار مجبویه نیلگون عماری
یزدان به کمال شد پدیدار و اهریمن زشت خو حصاری
یادآر ز شمع مرده یاد آر!

(دیوان دهخدا، ص ۶)

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

دهخدا خود نیز در باره اهمیت این شعر و تازگی آن می‌گوید: «این شعر به نظر خودم تقریباً در ردیف اول شعرهای اروپایی است.» آراین‌پور نیز به «تازگی اسلوب» و «سمبولیسم» آن اشاره کرده است. امروزه با در نظر آوردن چشم‌انداز کلی ادبیات عصر مشروطه و دیگر نمونه‌های اشعار رمانتیک در ادبیات جدید فارسی، رنگ و بوی رمانتیک این شعر برای ما کاملاً واضح است. فرم و قالب این شعر، هر چند در ادبیات فارسی سابقه دارد، با قالب‌های رایج دوره بازگشت تفاوت دارد. در اینجا نیز مثل اروپا، شاعران نوجوی عصر به قالب‌های غیر معمول و فراموش‌شده توجه می‌کنند. این مسمط با بندهای پنج‌گانه همگون آن و با تک مصراع‌ی که با قافیه واحد در پایان هر بند تکرار می‌شود و با خطاب‌های یکسان در آغاز هر بند، فرمی هماهنگ و پر طنین و مؤثر پدید آورده است که در مقایسه با قالب‌های کلیشه‌ای و بی‌روح عصر کاملاً تازه و جذاب است. در مجموع، این شعر از نظر تحول در قالب راه تازه‌ای را رفته است و از بهترین شعرهای دوره انقلاب مشروطه است. البته حزن و اندوه شعر در عین حال که رنج‌های گذشته و حال را باز می‌گوید، امید به آینده را نیز از یاد نمی‌برد. چنان که می‌دانیم، در اروپا پس از شکست انقلاب فرانسه و تحقق نیافتن آرمان‌ها و امیدها، بسیاری از شاعران و نویسندگان رمانتیک دچار یأس و سرخوردگی، تلخکامی را تصویر کردند، ولی در عین حال، تسلیم یأس مطلق نشدند و امیدهای خود را معطوف به آینده‌ای آرمانی کردند و از آینده طلایی و افق روشن آن سخن گفتند. در این شعر دهخدا نیز همین فرآیند دیده می‌شود. شاعر در هریک از بندهای پنج‌گانه با کمک تصاویر طبیعت یا تلمیح‌های تاریخی، چشم‌اندازی از آینده را نشان می‌دهد و در پایان هر بند نیز از تلخی و تیرگی زمان حاضر یاد می‌کند. تعبیر «دوره طلایی» که دهخدا آن را در اشاره به این آینده آرمانی به کار می‌برد و ترجمه عبارتی فرنگی است که پیش از آن در زبان فارسی به کار نرفته است، عمق تأثیرپذیری این شعر از فضای جدید و ادبیات غرب را نشان می‌دهد. آراین‌پور این شعر دهخدا را از یکی اشعار رجایی‌زاده اکرم، از شاعران نوگرای ترکیه، متأثر می‌داند.

در دیوان دهخدا، به جز این شعر تنها شعر دیگری که آشکارا به لحاظ زبان و بیان و مضمون جنبه‌ای رمانتیک دارد، تصنیفی است که در بندهای اول آن به گونه‌ای غنایی و تغزلی

سخن می‌گوید، ولی در بند پایانی ضمن به یاد آوردن تلخی‌های روزگار، نگاه خود را به آینده‌ای آرمانی و سواری که از دل این غبارها بیرون خواهد آمد، معطوف می‌کند:

چهر مردمی زرد است
مهر را دیگدان سرد است
این نه غوغای نامرد است
داند آن کش به دل درد است

شهسواری در این گرد است (دیوان دهخدا، ص ۱۲)

ب) تقی رفعت

رفعت بر خلاف عارف، از عاشق پیشگی رمانتیک بهره‌ای ندارد، ولی هم‌چون عارف و به مراتب بیش از او، یک انقلابی رمانتیک واقعی است. دیدگاه‌های ادبی رفعت تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر ادبیات فرانسه و بیش از آن ادبیات در حال تحول ترکیه بوده است. رفعت با پشتوانه‌ای از آشنایی با ادبیات فرانسه و ادبیات ترکیه که زودتر از ادبیات فارسی تحت تأثیر رمانتیسم اروپایی و فرانسوی دچار تحول شده بود، به مقوله تجدد می‌پردازد. رفعت خود در ضمن نخستین مجادلاتی که با کهن گرایان داشته است، خطاب به جوانان و نوجویان می‌گوید: «کلاه سرخ و ویکتور هوگو را در سر قاموس دانشکده مجوی! طوفانی در ته دوات نوجوانان تهران هنوز برنخاسته است.» در همین سخن رفعت آشکارا تأثیرپذیری او از رمانتیسم فرانسوی در هر دو بُعد ادبی و اجتماعی دیده می‌شود. رمانتیک‌های فرانسوی از جمله هوگو به خاطر سلطه اصول و قواعد نئوکلاسیک حتی برای به کار بردن پاره‌ای کلمات معمولی و عادی در آثار خود، به گونه‌ای عصیانی و انقلابی عمل می‌کردند و از سوی دیگر گرایش انقلابی رمانتیک‌ها در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز کاملاً مشهود بود، رفعت نیز در همان گیر و دار، مقاله‌ای تحت عنوان «یک عصیان ادبی» در روزنامه تجدد انتشار داد و با همان بیان انقلابی و پر احساس در دفاع از پدیده تجدد، از «صمیمیت صریح» و «فریاد صمیمی‌ای» سخن گفته است که از ته سینه متأثر از آلام اجتماعی ما فوران می‌کند. رفعت هم‌چون رمانتیک‌های

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

اروپایی و خصوصاً رمانتیک‌های فرانسوی معتقد است که عصیان و انقلاب ادبی تکمله و تتمه انقلاب سیاسی دوران است. رفعت در مجادله‌ای دیگر، ضمن بیان این مطلب که ادبیات کلاسیک فارسی قادر نیست در عصر جدید احساسات و هیجانات مردم و جوانان را برانگیزد و بیان کند، به «جزئیات و مفردات محسوسات» نمایش‌نامه شاترتون اثر آلفره دووینی شاعر رمانتیک فرانسوی اشاره می‌کند و می‌گوید: که ادبیات کلاسیک فارسی قادر نیست یکصد هزارم این احساسات را در جوانان متجدد ایران برانگیزاند. رفعت مانند رمانتیک‌های فرانسوی حضور سنگین ادبیات کلاسیک را مانع اصلی تحول و تجدد می‌داند. وی هم‌چون رمانتیک‌های اروپایی بر این نکته مهم پافشاری می‌کند که شاعر و نویسنده باید احساسات و عواطف و ذهنیات خودش را بیان کند و تحت تأثیر صرف میراث و سنن ادبی و اصول و قواعد آن قرار نگیرد: «تفکرات و تحسینات خودتان را بنگارید... صمیمیت را هرگز و در هیچ موقعی از دست ندهید... در هر حال خودتان باشید.» تمامی این موارد به نحو آشکاری نفوذ و تأثیر میراث رمانتیسم را در آرا و افکار رفعت نشان می‌دهد. این رمانتیسم در گرایش اجتماعی و روحیه انقلابی رفعت نیز وجود داشته است. رمانتیسم انقلابی رفعت را در معدود شعرهای بازمانده از او نیز می‌توان دید. او در شعری که خطاب به جوان ایرانی سروده است با لحنی رمانتیک از فرا رسیدن دوران امید و عصر نوینی سخن می‌گوید که روی به آینده‌ای پر بار و آرمانی دارد. این شعر رفعت از لحاظ نظام قافیه کاملاً تازگی دارد و الگوهای قافیه‌ای قالب‌های کلاسیک را رعایت نمی‌کند.

برخیز، بامداد جوانی ز نو دمید
آفاق خُهر را لب خورشید بوسه داد
برخیز! صبح خنده نثارت خجسته باد!
برخیز! روز ورزش و کوشش فرا رسید
برخیز و عزم جزم کن، ای پور نیکزاد
بر یأس تن مده، مکن از زندگی امید
یک فصل تازه می‌دمد از بهر نسل تو
یک نو بهار بارور آبتن درو

ج) جعفر خامنه‌ای

این شاعر با زبان فرانسه و ادبیات اروپایی و ترکیه آشنایی داشته است و در برخی از اشعار خود نوآوری‌هایی در قالب شعر و نظام قافیه پدید آورده و دارای ویژگی‌های رمانتیک هستند. یکی از این شعرها که خطاب به وطن سروده شده است، نظام قافیه‌بندی آن با قالب‌های قدیم تفاوت دارد و اگر تک مصراع آخر را در نظر نگیریم، نوعی چارپاره محسوب می‌شود. شاعر از نظر موسیقی کلمات قافیه نیز از قواعد قدما تخطی کرده و کلمه «مجروح» را با کلمه «اندوه» قافیه کرده است. این تازگی‌ها و نوآوری‌های صوری در کنار مضمون کاملاً تازه شعر یعنی ستایش وطن و تأسف از درماندگی آن و امید به نیرو گرفتن آن، موجب شده تا این شعر با توجه به زمان سروده شدن آن شعری نوآیین به شمار آید. در این شعر احساسات وطن‌دوستانه و سوز و گداز شاعر بدون پرده‌پوشی و بدون استفاده از کلیشه‌ها و عبارات قدمایی و با صیغه‌ای فردی و غیر تکراری جلوه‌گر شده است. علاوه بر پرداختن به مضمون وطن و میهن‌دوست اصولاً طرز بیان احساسات در این شعر و اشعار مشابه فی‌نفسه تازگی دارد و از دیدگاه رمانتیک شاعر و آشنایی او با ادبیات رمانتیک ترکیه و فرانسه نشأت می‌گیرد.

هر روز به یک منظر خونین به درآیی	هر دم متجلی تو به یک جلوه جانسوز
از سوز غمت مرغ دلم هر شب و هر روز	با نغمه نو تازه کند نوحه سرایی
ای طلعت افسرده و ای صورت مجروح	آماج سیوف ستم، آه ای وطن زار
هر سو نگریم خیمه زده لشکر اندوه	محصور عدو مانده تو چون نقطه پرگار
محصور عدو، یا خود اگر راست بگویم	ای شیر، زبون کرده ترا روبه ترسو
شمشیر جفا آخته روی تو ز هر سو	تا چند به خوابی؟ بگشا چشم خود از هم
برخیز، یکی صولت شیرانه نشان ده	یا جان بستان یا که در این معرکه جان ده!

احساسات اندوه زده و آزرده این شاعر را در یکی دیگر از شعرهای او هم می‌توان دید. در این شعر که در قالب چارپاره سروده شده است، هم‌چون رمانتیک‌های اروپایی از تمدن منحوس دوران ناله سر داده است؛ با این تفاوت که صیغه اجتماعی و انقلابی رمانتیسم عصر

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

مشروطه به شاعر اجازه نمی‌دهد که هم‌چون برخی از رمانتیک‌های اروپایی یکسره به ستایش پاکی‌ها و زیبایی‌های بدوی بپردازد و در شعر قرن بیستم تمدن و مدنیت را نفی کند.

ای بیستمین عصر جفا پرور منحوس
ای آبده وحشت و تمثیل فجایع
بر تاب ز ما آن رخ آلوده به کابوس
ساعات سیاهت همه لبریز فضایع
دیدار تو مدهشتر از انقراض مقابر
شالوده‌ات از آتش و پیرایه‌ات از خون
هر آن تو با ماتم صد عائله مشحون
بر ناصبه عصر هنر لنکه سودا
آن روز که زادی چه نویدی که ندادی؟
امروز که رستی، تو ز خون یکسره مستی
زین سان که تو ره بسپری، ای آفت هستی
فردا به وجود آری یک تل رمادی

د) شمس کسمایی

او با زبان ترکی و روسی آشنایی داشته است و در چند شعر محدود بازمانده از او تأثیر میراث رمانتیسم اروپایی را می‌توان دید. اشعار کسمایی دچار ضعف بیان و فقدان استحکامند ولی هم از نظر فرم و هم از نظر مضمون تازگی دارند. در یکی از این شعرها آرمان رمانتیک «زوال سیم و زر» بدین گونه بیان شده است.

تا تکیه‌گاه نوع بشر سیم و زر بود
هرگز مکن توقع عهد برادری
تا این که حق به قوه ندارد برابری
غفلت برای ملت شُرق خطر بود
آن‌ها که چشم دوخته در زیر پای ما
مخفی کشیده تیغ طمع در قفای ما

مقصودشان تصرف شمس و قمر بود
حاشا به التماس برآید صدای ما
باشد همیشه غیرت ما متکای ما
ایرانی از نژاد خودش مفتخر بود

دلزدگی از محیط زندگی جدید، غلیان احساس و عواطف، میل به نوعی گریز مبهم از مردم، بیزاری از کسانی که معیارهای مادی و دنیا پرستی را پذیرفته‌اند و... درونمایه‌های رمانتیک یکی از شعرهای او به نام «پرورش طبیعت» را تشکیل می‌دهد. این شعر از نظر فرم و موسیقی و قافیه و شیوه بیان نیز تازگی دارد:

ز بسیاری آتش مهر و ناز و نوازش
از این شدت گرمی و روشنایی و تابش
گلستان فکرم خراب و پریشان شد افسوس
چون گل‌های افسرده افکار بکرم
صفا و طراوت ز کف داده گشتند مایوس

ه) لاهوتی

جلوه‌های رمانتیک در شعر و شخصیت او در مقایسه با دیگر شاعران مشروطه از جمله عشقی و عارف ناچیز به نظر می‌آید. به هر حال این گرایش رمانتیک که ناشی از روح رمانتیسم انقلابی دوران است، نمودهای مشخصی در شعر او دارد. در میان نخستین شعرهای لاهوتی رگه‌هایی از احساس و عاطفه‌ای سرشار دیده می‌شود که تحت تأثیر فضای زمانه و نوآوری‌های شعری دوران، حس درونی شاعر را آشکار می‌کند. نمونه این تازگی احساس و عاطفه را که بی‌شک از جنبه‌ای رمانتیک هم برخوردار است، در شعری با این مطلع می‌توان دید:

در غم آشیانه پیر شد باقی از هستیم همان نامی است
مردم از غصه، این چه ایامی است؟ من کته از این حیات سیر شدم

(دیوان لاهوتی، ص ۲۰۳)

این شعر از نظر نظام قافیه دارای اسلوبی تازه است و با دیگر شعرهای نوگرایانه شاعران این عصر که سعی دارند در فرم و قالب شعر به گونه‌ای متعادل دست به نوآوری بزنند، تناسب دارد. لاهوتی با زبان ترکی و فرانسوی و روسی آشنا بوده است. وی از جمله شاعرانی است که نمونه‌های متعددی از آثار شاعران خارجی مثل هوگو، پوشکین و دیگران را به صورت منظوم به فارسی ترجمه کرده است. یکی از مشهورترین اشعار لاهوتی شعر «سنگر خونین» است که ترجمه یکی از آثار ویکتور هوگو است. این شعر ماجرای کودک شجاعی را باز می‌گوید که همراه مبارزان دیگر به مرگ محکوم شده است اما قبل از اعدام با رخصت جلاد برای خداحافظی به نزد مادر خود می‌رود و داوطلبانه به صحنه اعدام باز می‌گردد. از نظر هنری، با توجه به تاریخ سروده شدن شعر، تازگی‌هایی هم‌چون حالت دراماتیک و نمایشی، عنصر گفت و گو و سعی در تغییر دادن نظام قافیه و طرز نوشتن خطوط شعر و... در آن دیده می‌شود. علی‌رغم مضمون پراحساس این شعر، لاهوتی در سرودن آن مجال چندانی به غلیان احساس و عواطف خود نداده است و شعر دارای نوعی حالت رئالیستی و خشن است، ولی با این همه، به رمانتیسم انقلابی دوران نزدیک‌تر است.

رزم‌آوران سنگر خونین شدند اسیر

با کودکی دلیر

به سن دوازده

- آن‌جا بُدی تو هم؟

- بله!

با این دلاوران

- پس ما کنیم جسم تو را هم نشان به تیر

تا آن‌که نوبت تو رسد، منتظر بمان!

یک صف بلند شد همه لول تفنگ‌ها

..... (دیوان لاهوتی، ص ۶۸۹)

شعر «وفا به عهد» نیز یکی از بهترین نمونه‌های بسیار جالبی از طرز بیان رئالیستی لاهوتی به شمار می‌رود. این شعر که در قالب نو پدید چارپاره سروده شده است، یکی از نخستین شعرهای نوگرایانه در ادبیات جدید فارسی است. شعر حالتی روایی - داستانی و نمایشی دارد و مادر دل شکسته‌ای را توصیف می‌کند که پس از فتح تبریز و شکست مستبدان و از میان

رفتن دشواری‌های معیشت و زندگی به سر قبر فرزند شهید خود می‌رود و به نشانه وفاداری با دیده‌ای پر اشک، دامنی از نان بر سر قبر فرزند می‌نهد:

اردوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت
برگشت نه با میل خود از حمله احرار
ره باز شد و گندم و آذوقه به خروار
هی وارد تبریز شد از هر در و هر دشت
از خوردن اسب و علف و برگ درختان
فارغ چو شد آن ملت با عزم و اراده
لختی سر پا دوخته بر قبر همی چشم
بی‌جنبش و بی‌حرف چو یک هیکل پولاد
در سنگر خود شد چو به خون جسم تو غلطان
تا ظن نیری آن که وفادار نبودم
مجروح و گرسنه ز جهان دیده بیستی
من عهد نمودم که اگر نتان به کف آرم
تشویش مکن فتح نمودیم، پسر جان
اینک به تو هم مژده آزادی و هم نان

(دیوان لاهوتی، ص ۲۰۳)

چنان که در بحث رمانتیسم اروپایی و در بررسی شعر دیگر شاعران جدید فارسی نیز مشاهده می‌کنیم، پدیده رمانتیسم به خاطر طغیان علیه قید و بندهای کلاسیک و خصوصاً اسلوب‌های کلیشه‌ای نئوکلاسیک، نوعی آزادسازی ذهن و زبان شاعران هم محسوب می‌شود و به طور طبیعی با نوعی واقع‌گرایی همراه است. در این شعر نیز این پدیده واقع‌گرایانه دیده می‌شود ولی کل فضای شعر و توصیفی که از مادر رنج‌دیده و داغدار ارایه می‌شود و حس دردناک حسرت و دریغی که در شعر وجود دارد، در کنار فرم تازه و مؤثر آن با فضای عاطفی و احساسی شعر تناسب کامل دارد، این شعر را به شعری رمانتیک تبدیل کرده است.

یکی دیگر از شعرهای لاهوتی، شعری است که به تقلید از شعر «یاد آر ز شمع مرده یاد

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

تأثیر مکتب ادبی رمانتیسم غرب بر ادبیات منظوم و مثنوی دوره مشروطه □ ۴۷

آر» دهخدا سروده شده است از یک جهت جلوه‌ای از رمانتیسم انقلابی - اوتوپیاپی و امید به افق روشن آینده را نشان می‌دهد:

روزی که شود ز خاک ایران یک مرتبه دست ظلم کوتاه

(دیوان لاهوتی، ص ۶۴۸)

شعر بلند «نوروزیه» نیز تقلیدی است از شعر «نوروزی نامه» عشقی؛ سروده است. لاهوتی این شعر را با خطاب به معشوق آغاز می‌کند. سپس به وصف بهار می‌پردازد و با اشاراتی به عظمت ایران کهن، آن را با وضعیت امروز مقایسه می‌کند و به آینده بهتر وطن دل می‌بندد:

بهار آمد بیا برخیز و صحرا را تماشا کن

به دشت و کوه بنگر خرمی بین، سیر دریا کن

(دیوان لاهوتی، ص ۶۶۹)

توصیف‌های شاعر از طبیعت بیان پاره‌ای حالات فردی، و تازگی نسبی فرم و قالب شعر، با توجه به زمان سرودن شعر اهمیت دارند. اشعار وی از دو جهت دارای اهمیت است: کوشش در راه ایجاد قالب‌ها و طرح‌های تازه در شعر فارسی و بیان اندیشه‌های انقلابی و سیاسی‌ای که از محیط تازه زندگی شاعر رنگ گرفته است. این هر دو جنبه در آثار اغلب شاعران این دوره با مسأله نوگرایی و رمانتیسم پیوند دارد.

و) بهار

بهار نمونه‌های فراوانی را در بیان عاطفه عاشقانه دارد که در اینجا به دو نمونه اشاره

می‌شود. در تصنیف، ز فروردین شد شکفته چمن، خطاب به معشوق چنین می‌سراید:

شد از ستمت، از دست غمت غرق خون دل من مجنون دل من، پر خون دل من
نگارا رحمی نما به چشم ترم که من از زلف بتان گر بردم جان از غم دوران ز درد فراق تو جان
شکسته نبرم
عزیز دلم بت چگلم، آبروی چمنم بهار مرا خزان منما نازنین گل من

در تصنیف، ای تازه گل، باز خطاب به معشوق از شیفتگی خویش این چنین می‌سراید:

جان شد تلف، رفت ز کف تا به کی ای صنم این جور و بیداد

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

ای لاله رویم زکین دلم را هر لحظه مشکن
 که من دلی دارم چون آنگر فروزان
 که دلسم نبود زسنگ و پولاد
 بسوزد از رنج و محن، که بسوزد از محنت و غم

ز) ایرج میرزا

مثنوی رمانتیک «زهرة و منوچهر» از ایرج میرزا ترجمه آزادی است از «ونوس و آدونیس» اثر شاعر و درام نویس مشهور انگلیسی، ویلیام شکسپیر، که در آن به مانند قطعه «مادر» روح ایرانی دمیده شده است.

صبح نتاییده هنوز آفتاب	وا نشد دیده نرگس ز خواب
تازه گل آتشی مشک بوی	شسته ز شبنم به چمن دست و روی
ماه رخی چشم و چراغ سپاه	نایب اول به وجاهت چو ماه
صاحب شمشیر و نشان در جمال	بنده مهیمز ظریفش هلال
نجم فلک عاشق سردوشی اش	زهرة طلبکار هم آغوشی اش
از طرفی نیز در آن صبحگاه	زهرة مهین دختر خالوی ماه
آلهه عشق و خداوند ناز	آدمیان را به محبت گداز
پیشه وی عاشقی آموختن	خرمن ابناء بشر سوختن
آلهه عشق منم در جهان	از چه به من چیره شود این جوان
من اگر آشفته و شیدا شوم	پیش خدایان همه رسوا شوم
گفت سلام ای پسر ماه هور	چشم بد از روی نکوی تو دور
ای تو بهین میوه باغ بهی	غنچه سرخ چمن فرمی
چین سر زلف عروس حیات	خال دلارای رخ کاینات
آه چه غرقاب مهیبی است عشق	مهلکه پر ز نهیبی است عشق
غمزه خوبان دل عالم شکست	شیر دل است آن که از این غمزه رست

(دیوان ایرج، ص ۱۱۹-۹۶)

«شاه و جام» اثر فردریک شیلر شاعر رمانتیک آلمانی (۱۸۰۵ - ۱۷۵۹ م) است، که ایرج آن را با امانت نسبی به نظم در آورده است. اصل این قطعه اندکی مفصل تر از منظومه ایرج

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

است و توصیف‌های شیلر از قعر دریا و حادثه‌ها و جانوران سهمگین آن قدری بیش از آن است که در شعر ایرج آمده است. این منظومه حدوداً ۱۰۶ بیت دارد و بدین شرح است:

پادشهی رفت به عزم شکار با حرم و خیل به دریا کنار
خیمه‌ش را لب روی زدند جشن گرفتند و سرودی زدند

(دیوان ایرج، ص ۲۶۵)

ح) عشقی

شعر «سه تابلوی مریم» از عشقی روایتی واقع‌گرا با لحنی رمانتیک در باره زندگی مردم در قالب مسمط است. سه تابلوی عشقی که معروف‌ترین اثر عشقی در میان عامه است گهگاه دارای توصیفات جان‌دار و جذابی است و مکالماتش به طرز محاوره روزمره متمایل است. او با اشعارش جانی تازه بر پیکر آزادی و روشنگری زمان مشروطه می‌بخشید. زبان او زبان حال مردم و طرز فکر او طرز فکر مردم بود و زندگی خویش را با مردم و مردن را میان مردم تجربه کرد.

بدان سرم نگهی بر عذار یار کنم!	گرفته اشک ره دیده‌ام، چه کار کنم
بدین مشقت من زندگی نمی‌ارزد	که من ز مرگ همه عمر را فرار کنم
بیا تو ساقی و از رنج هستی‌ام برهان	که من چو مست شوم هستی‌ام نثار کنم
شراب مرگ بنوشم به راه عشق وطن	روا بود که بدین مستی افتخار کنم
چنان در آرزوی درک نیستی هستم	که گر اجل نکند همت انتحار کنم
به عاقبت چو اجل هستی‌ام فنا سازد	چرا نه، هستی خود را فدای یار کنم
ز بس که صدمه هوشیاری از جهان دیدم	بیر آن شدم که سپس مستی اختیار کنم
جنون که بر همه ننگ است، من به محضر دوست	قسم به عشق بدین ننگ افتخار کنم
من این جنون به جهان یافتم ز پرتو عقل	چو فرط عقل جنون است من چه کار کنم؟
بگو به خصم مکن عیبم، این جنون عقل است	ترا نداده خدا عقل من چه کار کنم

برگ باد برده از عشقی که حالتی رمانتیک دارد، خود او در این باره می‌گوید: این ابیات را به شیوه تازه با نظریات و ملاحظاتی که من در انقلاب ادبیات فارسی و تشکیلات نوی در آن

دارم، سروده‌ام.

به گردش بر کنار بوسفور، اندر مرغزاری
رهم افتاد دیروز
چه نیکو مرغزاری، طرف دریا در کناری
نگاهش دیده افروز
درختان را حریر سبز بر سر
زمین را از زمرد جامه در بر
به هر سو با گلی، راز
نموده مرغی آغاز ...

ط) وحید دستگردی:

شعر یار لیلی وش از وحید از ترجمه‌های پوشکین شاعر رمانتیک ادبیات روسیه می‌باشد.

از برم دوش یار لیلی وش	سر گران رفت با تکبر و ناز
گفتم ای یار دل فروز، بایست	سرد مهری مجوی و گرم متاز
گفت با طعنیه: پیش موی سپید	عشق را کوته است دست دراز
برف پیری ترا تشنه به سر	سرد مهری است ز آن مرا انباز
گفتم ای نوجوان نگار، مزن	طعنه بر پیرو و در نیوش این راز
زندگی گونه گونه دارد رنگ	هر یک آید به وقت خویش فراز
موی من مشک بود و شد کافور	هر دو شادی فزا و غم پرداز
گفت با خنده: نغز گفتی، لیک	نکتبه اصل را نگفتی باز
مشک زیب عروس و داماد است	لیک کافور بتا کفن دمساز!

قطعه گل، از وحید نیز ترجمه‌ای از اشعار پوشکین است.

موسم گل دوره حسن یک دو روز است در زمانه
ای به دل آرایی به عالم فسانه به که ز تو ماند نکویی نشانه
خاطر عاشقان را میازار خوش نباشد ز معشوقه آزار
گر بسوزد شمع پروانه را با زیانه

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

چون شود روز شمع شب را نبینی نشانه

تأثیر رمانتیسم غرب بر ادبیات منثور مشروطه

بررسی شاخه‌های معینی از ادبیات دوره مشروطه نشان می‌دهد که این ادبیات با حیات معاصر ملت ایران و مسایل کوبنده آن جوش خورده است و وظیفه میهن‌پرستانه رمان‌نویسان را به سوی مضامین تاریخ باشکوه ایران سوق داده است.

الف) دام‌گستران

نویسنده نوول دام‌گستران یا انتقام‌خواهان مزدک، عبدالحسین صنعتی‌زاده است. او تحت تأثیر آرای روشنفکر سکولار دوره مشروطه یعنی میرزا آقاخان کرمانی قرار گرفت. دام‌گستران نخستین اثر ادبی ایران است که در آن دوره به صورت رمان نوشته شده و دارای مضمون تاریخی است. موضوع داستان، وضعیت به هم ریخته و انحطاط فراگیر آخرین سال‌های سلطنت ساسانیان و یزدگرد سوم در سال‌های ۶۳۴ تا ۶۵۲ میلادی است. در این اثر فضای پر از دسیسه، توطئه و روابط ناسالم، توطئه‌آمیز و برخی وقایع عاشقانه تصویر می‌شود. طرح داستانی دام‌گستران را می‌توان این‌گونه توصیف کرد: یزدگرد ساسانی از دعوت خلیفه مسلمانان نگران می‌شود و با آگاهی از نفوذ تشکیلات مزدکیان در دربار، بر شدت اضطراب او افزوده می‌شود. او برای محافظت از خود قصری مخفی می‌سازد و سازندگان قصر را به منظور مخفی ماندن راز آن به قتل می‌رساند. رئیس تشکیلات مزدکیان، دختر زیبایی را که پدرش به دست یزدگرد اعدام شد، به عنوان معشوقه ولیعهد به دربار می‌فرستد و بدین سان ولیعهد را از یزدگرد جدا می‌کند. در لابلای صفحات و نحوه توصیفات صنعتی‌زاده، رویکرد مدرنیستی او تدریجاً ظاهر می‌گردد. او مسیر حوادث و سیر دیالوگ‌های داستان را به گونه‌ای پیش می‌برد که مخاطب احساس می‌کند گویا مزدکیان به طور غیرمستقیم همکار و همراه اعراب مسلمان بوده‌اند و زمینه‌های شکست ساسانیان از سپاه مسلمانان توسط آنها فراهم شده است. اگر چه صنعتی‌زاده در توصیفات خود به عمق انحطاط ویرانگر رژیم ساسانیان اشاره می‌کند، اما رویکرد ناسیونالیستی حاکم بر اندیشه نویسنده، او را وادار می‌کند تا با ترسیم تصویری وحشی

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

و وهن آلود از اعراب مسلمان و شایعه آتش زدن کتابخانه سلطنتی ساسانیان توسط مسلمانان، حس همراهی و همدلی رژیم ساسانیان را در خواننده ایجاد نماید. صنعتی‌زاده در این رمان شدیداً گرایش مدرنیستی و سکولار دارد؛ روحانیون را مورد حمله شدید قرار داده و آنان را عامل زوال استقلال وطن می‌داند؛ اگر چه توصیف نویسنده ظاهراً از موبدان زرتشتی است، اما لحن او جنبه کلی و فراگیر دارد و جهان‌بینی مدرنیستی حاکم بر داستان بر این احتمال می‌افزاید که غرض اصلی، ترویج روحانیت ستیزی معطوف به شرایط ایران در آستانه کودتای رضاخان بوده است. او در بخش دیگری از رمان با بیانی تمثیل گونه، سمت غربی شهر را زیبا، با شکوه و مرفه و سمت شرقی را محله بینوایان و صیادان معرفی می‌کند. در صفحات آغازین رمان، ظهور اسلام را به نائره عالم‌سوز تشبیه می‌کند؛ در صفحات بعد در توصیف سپاه مسلمانان تعبیری چون هیولای غریب، طوایف وحشی و وحشیان بیابان گرد را به کار می‌گیرد. نویسنده در بخشی دیگر صحنه‌هایی دردناک از کشتن اسیران ایرانی در مدینه و یا نقض پیمان توسط مسلمانان را تصویر می‌کند. میزان علاقه صنعتی‌زاده به ناسیونالیسم شوونیستی به حدی است که تنسر زرتشتی را که نماد سرکوب و نژادپرستی رژیم ساسانیان است، به عنوان بانی استقلال و عظمت ایران معرفی می‌کند. در این اثر ماجراهای بی‌مورد و توطئه‌های پیچیده‌ای وجود دارد که یادآور یکی از رمان‌های الکساندر دوما است. این رمان در آن زمان نمایان‌گر تمام عیار نشانه‌های زایش یک ادبیات نو در ایران است. داستان مانی نقاش قصه رمانتیک زندگی و عشق مانی است که در سده سوم در زمان جنگ‌های شاپور با والرین امپراتور روم اتفاق می‌افتد.

ب) سیاحت نامه ابراهیم‌بیگ

این اثر نخستین رمان فارسی و از نمونه‌های نثر معتبر نوین ایران در زمینه مسایل اجتماعی تألیف حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای بود و در کنار منابع دیگر احتمالاً از کتاب جیمز موریه با توجه به قالب و مفهوم طنزآمیزش تأثیر پذیرفته است. این داستان رمان‌گونه حاوی انتقاد اجتماعی و ادبی است با تأکید بر وحدت ملی و ملیت، عدالت و قانون که برای بیداری افکار مردم نوشته است. قهرمان آن جوانی ایرانی است که مدتی در مصر زندگی کرده و سپس

برای بررسی زندگی اجتماعی و سیاسی ایران به میهنش بر می‌گردد. اوضاعی که او با آن رو به رو می‌شود دقیقاً با اوضاع ایران در سده نوزده میلادی تطبیق می‌کند و برای نویسنده فرصتی پیش می‌آورد تا با طنز گزنده‌ای وضعیت عقب افتاده مملکتش را روی دایره بریزد. بخش دوم کتاب با داستان عشق احساسی قهرمان داستان ادامه می‌یابد و با مرگ او پایان می‌پذیرد که علت مرگ او نیز دردهای مملکت و تأسف بر وضع اسف‌انگیز آن است. بخش سوم نیز نوعی کم‌دی الهی فارسی است و ابراهیم یوسف، قهرمان داستان، درباره جهنم و بهشت ایران خوابی می‌بیند که دارای اشارات چندی نیز درباره حوادث معاصر ایران است.

ج) شمس و طغرا

نویسنده این داستان سه جلدی، محمد باقر میرزا کرمانشاهی، متخلص به خسروی است. شمس و طغرا رمانی عاشقانه و دارای خصایص رمانس‌های قرون وسطایی است و بر پس زمینه‌ای از تاریخ دوره ایلخانان مغول و قرون هفتم و هشتم روایت می‌گردد. مضمون آن رویدادهای رمانتیک، نبردها، توطئه و عشق، تراژدی و پیروزی‌ها است و ارزش‌های ایدئولوژیک و اجتماعی دارد که مآخالیسکی ایران‌شناس روس به آن‌ها پرداخته است. زمان وقوع حوادث جلد اول، سال‌های حکومت آتش خاتون آخرین اتابک سلغری فارس و در شهر شیراز است. البته به تبع سیر داستان و حوادث آن، برخی وقایع در شهرهای کرمان، ساوه، گیلان، آتن، دمشق و بغداد نیز رخ می‌دهد. شخصیت ماری ونیزی در جلد دوم بیانگر درک غرب‌گرای نویسنده و مجذوبیت وی نسبت به مظاهر تمدن غربی است: گفت‌وگویی بین ماری ونیزی و قهرمان داستان در می‌گیرد، توصیفات ماری ونیزی از تمدن و نظام سیاسی در غرب - که مربوط به دوران مدرنیته و پس از رنسانس است و با زمان وقوع داستان هم‌خوانی ندارد - به گونه‌ای جذاب و ایده‌آلی روایت شده و واکنش قهرمان داستان به گونه‌ای شیدایی و مجذوبانه است که آشکارا پرده از تمایلات مدرنیستی نویسنده برمی‌گیرد. خسروی در این اثر عناد یا اهانت صریحی نسبت به دین اسلام و شوونات و شعائر آن روا نمی‌دارد و اندیشه ناسیونالیستی او به گونه‌ای صراحتاً ضد دینی مطرح نمی‌گردد. او در بخشی از داستان، قهرمان خود را به یونان می‌برد و به ستایش از دموکراسی برده‌داری یونان به عنوان مهد تمدنی غرب

می‌پردازد. جلد اول شمس و طغرا، جلد دوم ماری ونیزی و جلد سوم طغول و همای نام دارد. خسروی در نوشتن این رمان از رمان‌های مونت کریستو و سه تفنگدار الکساندر دوما تأثیر پذیرفته است.

د) عشق و سلطنت

عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر، نوشته موسی دستجردی معروف به موسی نثری همدانی است. او مقالات متعددی در ترویج آراء ناسیونالیستی در مطبوعات آن زمان به رشته تحریر در آورد. جلد اول با نام عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش در وجه غالب خود، رمانی تاریخی است و ظاهراً دستمایه اصلی قصه از افسانه سرایی‌های هرودوت، مورخ یونان باستان گرفته شده است. دو جلد دیگر با نام‌های ستاره لیدی و شاهزاده خانم بابلی منتشر گردیده است. در حالی که ستاره لیدی رمانی نیمه تاریخی - نیمه عاشقانه است، اساساً شاهزاده خانم بابلی مایه‌های افراطی عاشقانه و ساختاری مغشوش دارد. این رمان به شدت درونمایه ناسیونالیستی دارد و به اسطوره‌سازی از شخصیت کوروش هخامنشی می‌پردازد و او را هم‌چون یک لیبرال - ناسیونالیست قرن بیستمی تصویر می‌کند. دیگر شخصیت‌های اصلی رمان نیز - سیاکار و هرمز - که همگی از شاهزادگان ایرانی هستند، مراتبی از شوکت و عظمت کوروش را در خود ظاهر می‌سازند.

چهره‌ای که نثری همدانی از کوروش می‌سازد، تصویر منجی ناسیونالیستی است که روشنفکران ایرانی از آخوندزاده و میرزا ملکم تا تقی‌زاده و فروغی در آرزوی ظهور آن بوده‌اند تا رویکرد غربزدگی مدرن را تحت لوای ناسیونالیسم باستان‌گرا در ایران حاکم نماید. این رمان بازتاب خواست جریان روشنفکری ناسیونال - لیبرال و ناسیونال - سلطنت‌طلب ایران آن دوران است. او در جایی دیگر از رمان به ستایش از بی‌حجابی زنان و زندگی مردم غرب می‌پردازد؛ از سولون قانون‌گذار باستانی یونان نام می‌برد و به ستایش او می‌پردازد. نویسنده نگرش منفی خود را نسبت به حکومت دینی در قالب انتقاد از حکومت مغان ابراز می‌کند. رمان عشق و سلطنت بر پایه روایت دانای کل نگارش یافته و در نقاط مختلف اثر، حضور و دخالت نویسنده آشکار است.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

ه) داستان باستان

داستان باستان یا سرگذشت کوروش تألیف محمد حسن خان شیرازی معروف به بدیع، در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر گردید. محمد حسن خان تحت تأثیر آرا و مشهورات تجدد مآبانه در اوایل مشروطیت، جمعیت ایرانیان را در بصره تشکیل داد و به انتشار اشعار ناسیونالیستی و مقالات تجددطلبانه در نشریه جبل‌المتین پرداخت. هم‌چنین از او ترجمه‌ای از یک رمان فرانسوی و چند اثر دیگر به جای مانده است. داستان باستان، شرح تولد و نشو و نما کوروش هخامنشی و ماجرای رسیدن او به پادشاهی - بر اساس داستان سرایی‌های هرودوت که امروز دیگر مشخص شده که بی‌پایه و اساس است - و شکست آژی دهاک، واپسین پادشاه قوم ماد و ماجراهای پس از آن می‌باشد که با برخی قصه‌ها و شخصیت‌های شاهنامه همانندسازی شده است. زمان آغاز رمان، هنگام تولد کوروش است که با شخصیت کیخسرو در شاهنامه آمیخته شده است و تا سی سال از عمر و مقطعی از دوره سلطنت او را در بر می‌گیرد. در بخش‌های مختلف این اثر ستایش ناسیونالیستی از ایران و به ویژه ایران باستان موجود است. رمان داستان باستان مملو از توصیف صحنه‌های بزم و عشرت است که البته از وجه روایی پررنگ و قدرتمندی برخوردار است.

و) داستان یکی بود یکی نبود

داستان یکی بود یکی نبود از جمال‌زاده حسب حال پر تنش، سنن، روحیات و افکار مردم جامعه ایران در دوره مشروطیت است. او برای به حرکت در آوردن شخصیت‌های برونزای خود در جهت خلق حوادث داستانی از شیوه رئالیستی استفاده کرده است. او به خوبی از نقش شخصیت‌هایش مطلع بوده است و بر آن نبوده تا افراد فراواقعی بیافریند. در رویارویی با مسائل اجتماعی و معضلات آن دوران نیز از دیدی انتقادی و طنزگونه سود جسته و تعصبات کذب مردم، بی‌نظمی، عدم ثبات، انسان محوری، تجددگرایی را در ساختمان موضوعی آثار خود قرار داده است. نثر ساده، سلیس و روان «یکی بود و یکی نبود» باعث شد قالب این داستان همسو با داستان‌های پیکارسک شود. شخصیت پیکارو مثل راوی این داستان تمایل دارد

دست به هر کاری غیر از جنایت بزنند. او بی‌اعتنا به مسایل اخلاقی رفته رفته خود را بالا می‌کشد. البته این داستان شباهت‌های اندکی هم به نوع داستان‌های تاریخی و رمان اجتماعی دارد.

ز) تهران مخوف

نخستین رمان واقع‌گرای فارسی رمان اجتماعی «تهران مخوف» از مرتضی مشفق کاظمی بود. یکی از مضمون‌های اجتماعی که همراه با شناخت نظریات غربی وارد ایران شده بود، مسأله زنان ایران و وضع اجتماعی آنان بود. برخی از نویسندگان نیز الگوهای خود را از میان نویسندگان احساساتی و اخلاق‌گرای سده نوزدهم فرانسه یافتند که الکساندر دومای پدر از پیشروان آن بود. نخستین اثر از این نوع، تهران مخوف بود. رمان تهران مخوف وضع نامساعد زنان ایران و جامعه فاسد و اوضاع اجتماعی آن را که زنان را وادار می‌ساخت تا به پست‌ترین مراحل اجتماعی سقوط کنند، به طرزی واقعی توصیف می‌کند. مضمون اصلی این داستان، عشق نامیمون قهرمان جوان قصه یعنی فرخ بامهین، معشوقه او است و در واقع داستان رمانتیکی است که یادآور قطعاتی از کنت مونت کریستو دوما است.

نتیجه

۱ - تاریخ صد ساله گذشته ایران نشان می‌دهد، در رأس تمام خصایص از جمله جریان ادبی - تاریخی کشورمان از مشروطیت تا کنون ملهم از ایدئولوژی غرب بوده است.
۲ - بررسی شاخه‌های معینی از ادبیات دوره مشروطه نشان می‌دهد که این ادبیات با حیات معاصر ملت ایران و مسایل کوبنده آن جوش خورده است و وظیفه میهن‌پرستانه رمان‌نویسان را به سوی مضامین تاریخ باشکوه ایران سوق داده است. این موضوع را صنعتی‌زاده در نوول دام‌گستران به کار گرفته است.

۳ - در اشعار و آثار نوگرایان و خصوصاً در دیدگاه‌ها و نظریه‌های ادبی و اجتماعی آنان جنبه‌های رمانتیک متعددی وجود دارد. رمانتیک‌های اروپایی نیز برای عرضه آثار و آرای نوین خود با مخالفت نئوکلاسیک‌ها رو به رو شدند و نوگرایی‌های صوری و محتوایی آنان،

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

خصوصاً در فرانسه که ادبیات کلاسیک نیرومندتر و محافظه‌کارتر بود، به صورت نوعی عصیان و شورش جلوه‌گر شد. در اینجا نیز شباهت میان رمانتیسم فرانسه با جنبه‌های رمانتیک ادبیات جدید فارسی به خوبی قابل مشاهده است. در ایران نیز هم‌چون فرانسه، از یک سو ادبیات فخیم و مقتدر کلاسیک بر همه‌جا سایه افکنده است و از سوی دیگر، نظام اجتماعی و سیاسی مستبدی هم عرصه اجتماعی را در سلطه خود دارد.

۴ - رمانتیسم مشروطه اساساً، رمانتیسمی اجتماعی است. عمده‌ترین نمادهای اجتماعی رمانتیسم مشروطه در پدیده‌هایی چون: دل‌بستگی آرمانی به انقلاب و آزادی، همدردی پر احساس با محرومان و رنج‌هایشان، امید به افق روشن و آینده آرمانی، میهن‌دوستی و ناسیونالیسم و توجه به شکوه از دست رفته گذشته، جستجوی قهرمان رمانتیک و ستایش آن، انتقاد پر احساس از تمایلات تمدن جدید و... می‌توان مشاهده کرد. نمودهای غیر اجتماعی این رمانتیسم نیز عبارتند از: کاربرد خاص و متفاوت تخیل که عمدتاً در تشبیه‌ها و صورخیال تازه و نوآیین جلوه‌گر می‌شود، کاربرد خاص و متفاوت زبان که در تازگی شیوه‌گزینی و واژگان و جذابیت زبان و جنبه‌های نوآورانه آن نمود بیشتری دارد، تمایل به منظره‌پردازی و توصیف‌های تازه و بهره‌گرفتن از نوعی ارتباط فردی و خاص با طبیعت و...

منابع و مأخذ

- ۱ - آژند، یعقوب. تجدد ادبی در دوره مشروطه. انتشارات تحقیقات علوم انسانی، ۱۳۸۶.
- ۲ - آراین‌پور، یحیی. از صبا تا نیما. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۵۷.
- ۳ - امین‌پور، قیصر. سنت و نوآوری در شعر معاصر. انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۴ - پارسی‌نژاد، کامران. نقد و تحلیل داستان‌های جمال‌زاده. نشر روزگار، ۱۳۸۲.
- ۵ - جعفری، مسعود. سیر رمانتیسم. نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۶ - حائری، سیدهادی. سده میلاد میرزاده عشقی. نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- ۷ - خسروی، محمد باقر. شمس و طغرا. تهران: بی‌نا، ۱۳۳۵.
- ۸ - دهخدا، علی‌اکبر. دیوان اشعار. انتشارات تیرازه، ۱۳۶۶.
- ۹ - سپانلو، محمد علی. چهار شاعر آزادی. ۱۳۸۳.

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۷

۵۸ کتاب تأثیر مکتب ادبی رمانتیسم غرب بر ادبیات منظوم و منثور دوره مشروطه

- ۱۰ - سپانلو، محمد علی. ملک الشعراء بهار. انتشارات طرح نو، ۱۳۷۴.
- ۱۱ - سید حسینی، رضا. مکتب‌های ادبی. تهران: نگاه، ۱۳۸۴.
- ۱۲ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. نخستین گام‌ها در راه تحول شعر معاصر. هیرمند، ۱۳۴۴.
- ۱۳ - _____ . _____ . از جامی تا روزگار ما. تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۲.
- ۱۴ - شمس لنگرودی، محمد. تاریخ تحلیلی شعر نو. تهران: ۱۳۸۰.
- ۱۵ - صنعتی‌زاده، عبدالحسین. دام گستران یا انتقام خواهان مزدک. بمبئی: شرافت، ۱۳۳۷.
- ۱۶ - لاهوتی، ابوالقاسم. دیوان. به کوشش احمد بشیری. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۱۷ - مروت، منصور. آشنایی با مکتب‌های ادبی. تهران: سخن، ۱۳۸۵.
- ۱۸ - یاحقی، محمدجعفر. جویبار لحظه‌ها. انتشارات جامی، ۱۳۷۸.